

استغفار از غیب کوشی

این قصه را با این قیاس بود
اول بگفته بنیت بود
اطراف آن صحاح

تو که
ما و اب الهمزة اسم موصوف
بالصفت یعنی کبریت

اسم بلدته باضام
طیور

است و کا عینی مستعجب بود و عجایب می نمود و بطلمت
جاریت تاوب میکرد و بعد از حج رسول صلی الله علیه و آله
خروج کرد و بخصما رفت و فرود آمدن مسیل بر قبیله
مراد عامل بود خبر حضرت رساله صلی الله علیه و آله
نوشتند و ماجرا را بنام کبریت و اب ایوب عیسی پیوستند
و او را کابیت بود و خود را در حضور توخت انداختند
و عمرو بن خالد مراجعت بهم رسانید کرد و امر عیسی چون آنست
تو که گرفت و بر آن وقت و شهرت با آن را قتل کرد
و زن و بر آن زن را آورد و دخترش فرود آمدی بود و پیوست
علیه الصلوة و السلام بنام به عیسی از آنجا کرد که اسود عیسی را
بر نوح که مکن باشد قتل کنید و عیسی از حوالی خود را از
چیز و همان با خود متفق گردانید و پیغام به ایشان کرد
تا موافقت کنند و شب هنگام به پیش آن عیسی رفتند و گفتند
او ببرد و شوهر ترا قتل کرده است و تو با وی در هر حال
گفت از دشمن توین خدای است بر من و عیسی بر ضربه خنجر
استن و هارسان در حوالی قصر اند و از آن خانه دور پس
سوراخ کینید و حجره و بر اسوراخ کردند و فرود آمدی بر اندون
رفت و سر عیسی را برید و او را زنی چون او را کاب و بلم حضرت
یکرد و هارسان پیشیندند و بر درگاه رفتند و گفتند این

بنا بر اینست که

تو که
ما و اب الهمزة اسم موصوف
بالصفت یعنی کبریت

چهره بود زن گفت بی است ما و عیسی بروی نازل می شود و او را
شیطانی بود که بروی ظاهر می شد و سوسه و بی جهاد
و عیسی غلب بر تو را و میگرد و قیروز و صاحب باز کردیدند
و چون صبح طلوع کرد مسلمانان شاعر خود را نمود و بعد از آن
بانگ گفتند و شهد آن محار رسول الله و آن جمله که از آب
در میان بانگ گفتند و خازنه کردند و لشکر اسلام مراجعت و طهارت
خود نمودند و حضرت رساله علیه الصلوة و السلام نوشتند
که عیسی را قتل کردند و قبر آسمان پیش از نوشته ایشان
رسید و پیوسته علیه الصلوة و السلام یک روز پیش از وفات
پیرون رفت و قبر به اصحاب داد که بروی مبارک از خانه
مبارک اسود را قتل کرد گفتند کینست فرمود که قبر و ز
دیگی فایز شد قبر و چون کتب ایشان بر مدینه رسید
پیوسته علیه الصلوة و السلام وفات یافته بود و در کینه فیروز
خلاف کرد. اند قوی آنست که ابو جده الله بود و قوی
دیگر آنکه عبدالرحمن گفته اند که خواهر زاده و کجا می بود
و او را عیسی گفتند که در قبر می بود و قوی آنست از آنجا
فارس بود و الله اعلم اما مسیلم بن الحذیف اللذاری
او را در حین پیامبری گفتند که بی گت شخصی به پیش من می آید
که نام او رحمن است و از پیش بیان رفت که اول حضرت رساله

فی الامم تمام بن قیس علیه
السلامت الیماه بن اسمع
بلده بن مکه
و ایست حکم

این قصه را
با این قیاس بود